

نمایی از برخی برابرگزارها و اندکی از شیوه ترجمه این نسخه را برای ایجاد شوق در صاحبان ذوق و همت به دست می دهد تا بر ایمان راستین این واژه پردازان و کاتبان قرآن قدردانی و سپاسگزاری مناسب به عمل آید و این گنج هزار ساله از غبار قرون رخ شسته و در دسترس گوه‌رشناسان قرار گیرد.

گمان نگارنده این است که بازیابی و تفحص در این متون ترجمه ای نه تنها در زمینه زبان و ادبیات فارسی مفید تواند بود بلکه در زمینه تفسیر و فراهم کردن ترجمه ای دقیق از قرآن با همه ویژگیهای لازم، مترجمان و مفسران را یاریگر خواهد بود. از سوی دیگر شناخت این نسخه ها در زمینه هنرهای تزئینی مانند تذهیب و خطاطی و صفحه آرایی و... ارزشمند و شگفت آور است، چرا که برخی از این نسخه ها به سبب تعلق خاطر مترجمان و کاتبان و صحافان و... به دین پاک محمدی به خطوط زیبا و تذهیب و تجلید و صحافی آراسته شده است. و نیز علوم قرآنی همچون تفسیر و تجوید و قرائت نیز در این نسخه ها قابل تعمق است و بازنگریها و معرفیها می تواند پرده از این همه زیبایی و هنر و علم بردارد.

پارسی کهن در ترجمه قرآن مجید

قرآن شماره ۶۳۱۵ آستان قدس رضوی

با سپاس از راهنمایی های
استاد دکتر علی رواقی

عصمت اسماعیلی

معرفی نسخه خطی شماره ۶۳۱۵

قرآن مترجم مورد نظر، شامل نصف قرآن مجید یعنی از ابتدای سوره فاتحه تا پایان سوره کهن است. این ترجمه دارای نثری سلیس و روان است و به ترجمه های تاریخ دار کهن شباهت فراوان دارد. از این رو است که آقای فکرت آن را در مجموعه قرآنهاي ترجمه شده در قرن هفتم به حساب آورده است.

این نسخه به سبب برخورداری از خطی خوانا و زیبا و مشکل در ترجمه از نظر لهجه و تلفظ کهن کلمات اهمیت خاصی دارد و نوع تلفظ برخی از کلمات مستعمل امروزی را در حوزه کتابت این ترجمه نمایان می سازد.

مشخصات ظاهری^۱ قرآن خطی شماره ۶۳۱۵

عدد اوراق: ۴۲۶ ورق

عدد سطور: ۱۴ ← ۷ سطر متن و ۷ سطر ترجمه

اندازه ورق: ۲۷×۳۵ سانتیمتر

خط متن: محقق جلی

خط ترجمه: نسخ خوش با شیوه خاص و زیبا و گاه به شیوه مسلسل

جلد: تیماج خرمایی ضربی با ترنجها و سرترنجها

کاغذ: نخودی ضخیم صیقلی

تزیینات: اسامی سوره ها به شنگرف و زنگار به قلم محقق و ترجمه به سجاوندی و به شنگرف

کاتب: نامعلوم

تاریخ کتابت: ظاهراً قرن هفتم

واقف: حاجی نهال

تاریخ وقف: جمادی الثانی ۱۰۴۷

بی تردید ترجمه های کهن قرآن غنی ترین گنجینه واژگان زبان فارسی است، از قرنهای پیش مترجمین مؤمن تنها برای اجر و مزد معنوی دست به ترجمه دقیق معجزه مکتوب محمدی زده و سعی کرده اند مردمان همزبان خویش را با این پیام آسمانی مانوس و آشنا سازند. از آنجا که این ترجمه ها متعلق به حوزه های جغرافیایی و دوره های مختلف است می تواند در زمینه شناخت گونه های زبان فارسی کمک بزرگی به محققان لغت و زبان شناسان نماید و آنها را بیش از پیش با لغتهای سره فارسی که با ترجمه دقیق و محتاطانه قرآن در دسترس خاص و عام قرار می گرفته، آشناتر سازد.

در کتاب ارزنده «فهرست نسخ خطی قرآنهاي مترجم^۱» بسیاری از این قرآنها که متعلق به دوره های تاریخی مختلف زبان فارسی است معرفی مختصری شده و ترجمه مورد نظر در این مقاله نیز از میان همین نسخ انتخاب و معرفی شده است.

فرصت فراوان لازم است تا تمامی این نسخه ها که در اختیار آستان مقدس رضوی است مورد مداقه و بررسی و فیش برداری قرار گرفته، فرهنگ پر بار و عظیم لغات فارسی ترجمه های قرآنی فراهم آید. این مقاله در حد توان تنها

۱- فکرت، محمد آصف، آستان

قدس رضوی، بهمن ۱۳۶۳.

۲- همان ماخذ.



۵۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

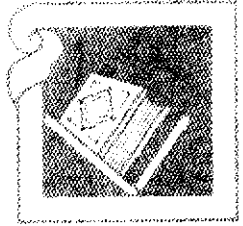
وقف هذا المصحف الشريف تقرباً الى الله تعالى في حق الرضوية
 مهبط انوار الصمدية على مشرفها سلطان الاولياء وورثها
 الامير القرة عيون المصطفى واقف علوم المرتضى ابا
 الحسين علي بن محمد الرضا الف حجة الثقل والنور
 القميا عليه من الملائكة الاعلى والى ما شاء الله تعالى
 الشريفين خاتمة الخلافة للومنين والمسلمين بشرط
 ان لا يخرج من هذه الروضة العلية ولا يبيع ولا يورث
 ولا يهدى من غير اذن بعد ما سمعنا فانما الرضوية
 في شهادته جادى الى سنة ١٠٠٠ وارضين والى

بسم الله الرحمن الرحيم
 وقف هذا المصحف الشريف تقرباً الى الله تعالى في حق الرضوية
 مهبط انوار الصمدية على مشرفها سلطان الاولياء وورثها
 الامير القرة عيون المصطفى واقف علوم المرتضى ابا
 الحسين علي بن محمد الرضا الف حجة الثقل والنور
 القميا عليه من الملائكة الاعلى والى ما شاء الله تعالى
 الشريفين خاتمة الخلافة للومنين والمسلمين بشرط
 ان لا يخرج من هذه الروضة العلية ولا يبيع ولا يورث
 ولا يهدى من غير اذن بعد ما سمعنا فانما الرضوية
 في شهادته جادى الى سنة ١٠٠٠ وارضين والى

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
 وقف هذا المصحف الشريف تقرباً الى الله تعالى في حق الرضوية
 مهبط انوار الصمدية على مشرفها سلطان الاولياء وورثها
 الامير القرة عيون المصطفى واقف علوم المرتضى ابا
 الحسين علي بن محمد الرضا الف حجة الثقل والنور
 القميا عليه من الملائكة الاعلى والى ما شاء الله تعالى
 الشريفين خاتمة الخلافة للومنين والمسلمين بشرط
 ان لا يخرج من هذه الروضة العلية ولا يبيع ولا يورث
 ولا يهدى من غير اذن بعد ما سمعنا فانما الرضوية
 في شهادته جادى الى سنة ١٠٠٠ وارضين والى

٢٧٤



تَحْمَلُهُ بِرِدَائِهِمْ يَأْتِيهِمْ دَارُ الْبَقَرَةِ (۲۴۸/ البقره)
 ایدناه بروح القدس ← قوی گردانید به جان پاکی، یعنی
 جبرئیل (۲۵۳/ البقره)
 فمن يكفر بالطاغوت ← پس هر که کافر شد، یعنی گروید
 به بت (۲۵۶/ البقره)

برخی از مشخصات ادبی و ترجمه ای و رسم الخطی این ترجمه ارزنده به این قرار است:

۱- در ترجمه این قرآن، مترجم سعی کرده از افزودن معنی اضافی جز در مواردی خاص خودداری کند و اغلب معنی تحت اللفظی را ترجیح داده است. از مواردی که لغتی بر معنی علاوه شده نمونه های زیر قابل ارائه اند:

وَاتَّقُوا يَوْمًا ← بترسیت از شکنجه روزی (۴۸/ البقره)
 من الله ← از عذاب خدای (۱۱۶/ آل عمران)
 - گاهی تفسیر گونه ای به معنی کلمات توضیحی افزوده شده:

اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ ← گرفتیت گوساله را بخدای (۹۲/ بقره)
 فَيُفْلِحُ الْغَافِلُونَ ← دوستی گوساله را (۹۳/ البقره)
 قَالَ لَهُمْ ← گفت بر ایشان پیغامبران ایشان (۲۴۶/ البقره)

- افزودن توضیح را مترجم گاهی با کلمه «یعنی» و «یا» مجزا نموده است:

يُرِيدُ ظَلْمًا ← خواهنده ستم، یعنی بر کسی ستم نمی کند (۱۰۸/ آل عمران)

بغير حق ← به جز واجب، یعنی ناواجب (۱۱۲/ آل عمران)

غزاً ← غازیان، یعنی جنگ کنندگان (۱۵۶/ آل عمران)

اشترؤا ← خریدند و پول گرفتند (۱۷۷/ آل عمران)

علی رُسلک ← بر زبانهای پیامبران تو (۱۹۴/ آل عمران)

نکاح ← ... یعنی رسیده شوند (۶/ نساء)

فلهنّ ثلاثاً ← ایشان راست دو سه يك، یعنی چهار دانگ (۱۱/ نساء)

ولا تعضلوهنّ ← باز مداریت شان از شوهر کردن (۱۹/ نساء)

فی حجورکم ← در کنارهای شما، یعنی در پرورش شما (۲۳/ نساء)

اجورهنّ ← مزدهای ایشان، یعنی کاینها (۲۴/ نساء)

افلا تعقلون ← اُپس هُش نسداریت، یعنی چرا هُش نمی داریت؟ (۶۵/ آل عمران)

انّ الفضل بيسدالله ← افزونی به قبضه قدرت خداست. (۶۲/ آل عمران)

قال من انصاري الی الله ← گفت کیست روی آرندگان خدای از یاری گران؟ (۵۲/ آل عمران)

صابروا ← شکیبیت در جنگ کفار (۲۰۰/ آل عمران)
 كان الله شاکراً ← بود خدای سپاس دار، یعنی پاداش بسیار دهد به عمل اندک (۱۴۸/ نساء)
 فردها علی ادبارها ← پس گردانیمش بر پشتهاشان، یعنی روهاشان را پس پشت گردانیدیم (۴۷/ نساء)
 فلا یومنون الا قليلاً ← نگرویدند مگر اندکی، یعنی گرویدند اندکی (۴۶/ نساء)

۲- برخی کلمات در عبارتهای مختلف با توجه به سیاق و مفهوم عبارت، معنیهای متفاوتی یافته است:

حق ← شدنی (نساء/ ۲۲۲)

حق ← سزای (۱۲۱/ البقره)

حق ← واجب (۱۱۲/ آل عمران)

حکیم ← استوار (۵۸/ آل عمران)

حکیم ← درستکار (۲۴/ نساء)

حکیم ← صوابکار (۱۵۸/ نساء)

حکیم ← استوارکار (۲۰۹/ البقره)

حکمة ← فقه (۲۶۹/ آل عمران)

حکمة ← سخن درست (۴۸/ آل عمران)

حکمة ← صواب کاری (۴۸/ آل عمران)

آل ← کسان (۴۹/ البقره)

آل ← کسها (۲۴۸/ البقره)

طلاق ← پای کشان کردن (۲۲۶/ البقره)

طلاق ← رها کردن (۲۲۷/ البقره)

نذر ← نذر (۲۷۰/ البقره)

نذر ← واجب کردن (۲۷۰/ البقره)

وکیل ← کارزان (۱۹۴/ آل عمران)

وکیل ← نگاه بان (۱۶۴/ نساء)

وکیل ← کارساز (۸۰/ البقره)

۳- ضمیر منفصل به جای ضمیر متصل و حذف حرف اضافه

فانظر الی طعامک و شرابک ← پس بنگر خوردنی تو و آشامیدنی تو (۲۵۹/ آل عمران)

۴- اتصال ضمایر مفعولی و متممی به فعل در اکثر موارد و حذف حرف نشانه مفعول:

فزادهم الله ← فزون کندشان (۱۰/ البقره)

یمدهم ← فرو گذاردشان (۱۴/ البقره)

ترکهم ← گذاشت شان (۱۷/ البقره)

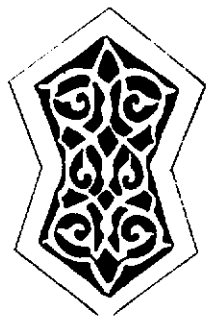
فضلتکم ← افزونی دادمتان (۴۷/ البقره)

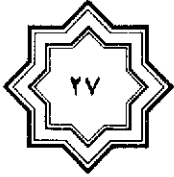
نجیتاکم ← رها نیدمتان (۴۹/ البقره)

تمسککم ← بساودتان (۱۲۱/ آل عمران)

۵- رعایت نحو عربی در ترجمه و برابر گذاری دقیق از مشخصات بارز این ترجمه است:

کَلِّهَا ← همه وی (در اکثر موارد)





فرعون ← ناگرویده (در بعضی موارد نیز خود کلمه ذکر شده است)
مریم ← خداپرست (در بعضی موارد نیز خود کلمه ذکر شده) (۳۶/آل عمران)

۹- برخی از کلمات با توجه به شأن نزول آیه معنی شده اند:
کهلاً ← سی و سه ساله (۴۸/آل عمران)
آن يتحاكموا الي الطاغوت ← می خواهند به داور شوند به سوی کعب بن اسود (۵۹/نساء)
ماه حرام ← ذوالقعدة و دهة ذوالحجه (۳ مائده)
يشرك بكلمة ← مزده می دهد به سخنی، یعنی پسری (۴۴/آل عمران)

۱۰- برخی از کلمات به صورت يك اسم خاص و یا يك جمله که معنی را دقیق تر بنمایند ترجمه شده اند:
صاعقه ← آتش با بانگ سوزنده، زنده کشنده (۱۵۳/نساء)
ذره ← مورچه (۳۹/نساء)
فتیل ← آنچه بمالی میان دو دست (۷۷/نساء)
فتیل ← اندازه رشته جویچه خرما (۴۷/نساء)
حنیف ← مسلمان (۷۹/انعام)
کلاله ← جز مادر و پدر و فرزند (نساء/۱۷۶)

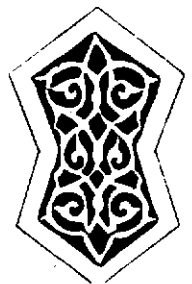
۱۱- مفعول فیه و کلاً قیدهای متون را با قالب حرف اضافه + اسم یا صفت معنی کرده:
خطأ ← بخطا (۹۲/نساء)
حدیثاً ← به سخن (۸۹/نساء)

۱۲- «دنیای» وقتی به تنهایی است «این جهان» معنی می شود، ولی وقتی با حیات همراه می شود جهان نزدیکتر و زندگانی نزدیکتر معنی شده:

حیوة الدنيا ← زندگانی نزدیک تر (آل عمران/۱۴)

۱۳- مواردی که به عنوان دگرگونی آوایی می توان ذکر کرد:
جشنگی ← تشنگی (ص ۵۶۶ نسخه)
جد ← جز (ص ۲۸۶ نسخه)
قام ← وام (ص ۲۰۹ نسخه)
نغوشا کان ← نیوشاکان (ص ۲۳ نسخه)

۱۴- افزودن «ه» و «ه» به آخر کلمات:
گردباده از گردباد (ص ۱۱۷)
جوانه از جوان (ص ۲۵)
جاودانه از جاودان (ص ۲۱۱)
هموارا از همواره (ص ۸۵۲)



لا ترجعون ← نه باز گرداننده شویت (در اکثر موارد) ائمهها ← بزه آن هر دو (۲۱۹/البقره)
نفس عن نفس شیئاً ← هیچ تنی از تنی چیزی را (۱۲۳/البقره)
کالمعلقه ← با شوری و نه پیشوری (۱۲۹/نساء)

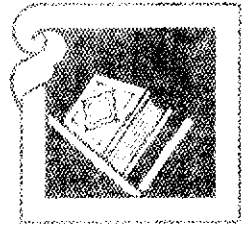
۶- تقدیم علامت نفی به صورت مستقل:
لا يرجعون ← نه باز گردید (۱۸/البقره)
لاتقربا ← نه نزدیک شویت (۳۵/البقره)
ولا تلبسوا ← و نه بپوشانیت (۴۲/البقره)
ولن يتمنونه ← نه آرزو برندش (۹۵/البقره)
لا يفتعهم ← نه سود دارد شان (۱۰۲/البقره)
ما يودة الذين ← نه می دوست دارند (۱۰۵/البقره)
لاتتفعها ← نه سود داردش (۱۲۳/البقره)

۷- برای ترجمه لام تاکید از الفی در آخر کلمه استفاده شده (در فعل امر غایب)
ليخش ← ترسندا (۸/نساء)
ليتوكل ← تکیه کنندا (۶۱/آل عمران)
لييكوا ← بگریندا (ص ۵۴۹)
ليلطف ← چابکی کنندا (ص ۸۲۸)
ليكتب ← نییسنندا (۲۸۲/البقره)
ليملك ← برگوندا (۲۸۳/البقره)
ليأخذوا ← گیرندا (ص ۲۵۳)
لنأت ← بیایندا (ص ۲۵۴)

- برای «ن» تأکید و «ل» تأکید همراه هم معمولاً از قالب «هر آینه... هر آینه هر آینه» استفاده شده است و برای «ن» تأکید تنها هم کلمه، همراه هر آینه هر آینه:
لا تموتنَّ ← نه میریت هر آینه هر آینه (۱۰۲/آل عمران)
فلا تكوننَّ ← پس مباش هر آینه هر آینه (۱۴۷/البقره)
ليجمعنكم ← هر آینه گرد آرد هر آینه هر آینه (۸۶/نساء)
وتلجدهنهم ← هر آینه بیایی شان هر آینه هر آینه (۹۶/البقره)

یا تینکم ← بیاید شمارا هر آینه هر آینه (۳۸/البقره)
ولنبلونکم ← و هر آینه بیازمائیم هر آینه هر آینه (۱۵۵/البقره)
لا تحسبنَّ ← مه پندارندا هر آینه هر آینه (۱۶۹/آل عمران)
لا یفرکتک ← مفرییدا هر آینه هر آینه (۱۹۵/آل عمران)

۸- برخی اسامی خاص در ترجمه معنی شده است:
انجيل ← کتاب عیسی (۴۸/آل عمران)
توراة ← کتاب موسی (۴۸/آل عمران)
یونس ← نیک نوید (ص ۸۱۳)
مقام ابراهیم ← سنگ نشان پای ابراهیم (۹۷/آل عمران)
بدر (جنگ) ← بن چاه (۱۲۳/آل عمران)



بوستاها از پوست‌ها (ص ۲۳۱)

۲۲- آوردن ضمیر «ید» در دوم شخص جمع به صورت

«یت» در تمام موارد:

- بخوانیت (۲۲/ البقره)
- نکنیت (۲۳/ البقره)
- هستیت (۲۳/ البقره)
- می نگرستیت (۵۱/ البقره)
- گرویت (۴۱/ البقره)
- باشیت (۳۵/ البقره)
- بیاشامیت (۶۰/ البقره)
- بازگردیت (۵۴/ البقره)
- بشنویت (۹۳/ البقره)
- دانستیت (۶۵/ البقره)
- شویت (۲۸/ البقره)
- بدانیت (۲۸/ البقره)

۱۵- ترجمه صیغه مبالغه و صفت مشبیه غالباً با کلمه «نیک» آمده است:

- ظلوم ← نیک ستمکار (ص ۷۲۴)
- وهاب ← نیک بخشنده (ص ۱۳۱)
- رحیم ← نیک بخشاینده (ص ۱۹ و تمام موارد)
- علام ← نیک دانا (ص ۵۴۷)
- ضیاء ← نیک روشن (ص ۵۷۲)
- مدرار ← نیک بارنده (ص ۶۳۱)
- سماعون ← نیک شنونده (ص ۳۰۶)
- صدیق ← نیک راستگو (ص ۳۲۴)

۱۶- با قالب فعل نهی غایب «مه... الف» ترجمه شده

است:

۲۳- آوردن «ان» جمع برای غیر ذوی العقول:

- کیبان (ص ۳۱۷)
- خوکان (ص ۳۱۷)
- جفزان (ص ۳۵۶)
- استران (ص ۷۴۷)
- ماهیان (ص ۴۶۹)
- کیبان (ص ۴۷۰)
- اسبان (ص ۷۴۷)

لایخس ← مکاهاندا (ص ۱۲۴)

لایحزن ← اندوهگین مکندا (ص ۵۹۵)

لایسرف ← گزاف کاری مکندا (ص ۷۹۲)

لایلتفت ← راست و چپ منگردا (ص ۶۴۰)

۱۷- ترجمه فعل نهی در مخاطب تنها با «مه» همراه شده

است:

مه اندوه خور (ص ۶۲۵)

مه از حد در گذریت (ص ۲۸۰)

مه افکنیت (ص ۷۷)

مه فراموش کنیت (ص ۱۰۰)

۲۴- افزودن «گان» به عنوان علامت جمع و باقی ماندن «ه»

و «ه» در پایان کلمه:

- برده گان (ص ۳۱)
- جاودانه گان (ص ۱۰)
- برانگیخته گان (ص ۸۰۲)
- پیاده گان (ص ۸۰۷)
- فرستاده گان (ص ۸۴۲)
- چیره گان (ص ۲۹۹)

۱۸- ترجمه صفت تفضیلی:

انسط ← با دادتر (ص ۱۲۵)

اسرع الحاسبین ← زودشمارتر شمارگیران (ص ۳۶۷)

۱۹- حذف تمیز عدد:

فاستشهدوا علیهنّ اربعه ← پس گواه گیریت برایشان

چهاری را (نساء/ ۱۵)

۲۵- وجود مصوت کوتاه «ه» پیش از های غیر ملفوظ و

حذف «ه» هنگام افزودن «ها» جمع:

- اندازها (ص ۹۴)
- نیزها (ص ۳۳۲)
- جامها (ص ۸۳۳)
- میوهها (ص ۴۸)
- باشنها (ص ۱۷۸)

۲۰- برخی کلمات عیناً آمده اند، هر چند در مواردی معنی

شده اند:

کتاب ← کتاب (۲۳۵/ البقره)

فریضه ← فریضه (۲۳۶/ البقره)

متعّه ← متعه (۲۳۶/ البقره)

فضل ← فضل (۲۵۳/ البقره)

بیع ← بیع (۲۷۵/ البقره)

۳۰- در ترجمه صفت و موصوف رعایت تبعیت صفت از

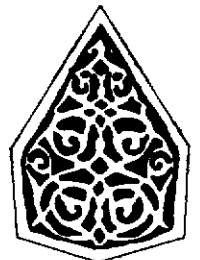
موصوف را برای جمع و مفرد نکرده است:

ایاماً معدودات ← روزهای شمرده (۲۴/ آل عمران)

۲۱- از موارد رسم الخط حذف «ه» از آخر ضمایر مبهم:

آنچه ← آنچه (در تمام موارد)

آنک ← آنکه (در تمام موارد)





الف، «ا»

اکتسوا - ووزیدند (ص ۲۲۱، نساء/ ۳۲)	ام الكتاب - اصل نامه (ص ۱۱۳، آل عمران/ ۷)
انصار - یاری گران (ص ۱۱۸، البقره/ ۲۷۰)	اسراف - گزاف کاری (ص ۱۸۱، آل عمران/ ۱۴۷)
أبری - به کنم (ص ۱۴۶، آل عمران/ ۴۹)	انصار - یاری گران (ص ۱۱۸، البقره/ ۲۷۰)
ایمانکم - دستهای راست شما (ص ۲۱۷، نساء/ ۲۴)	استکانوا - فروتنی کردند (ص ۱۸۱، آل عمران/ ۱۴۶)
اهل - کسان (ص ۸۷، البقره/ ۲۱۷)	امن - بی بیمی (ص ۴۸، البقره/ ۱۲۵)
اختلاف - آمد و شد کردن (ص ۶۲، البقره/ ۱۶۴)	اذلة - خواران (ص ۱۷۳، آل عمران/ ۱۲۳)
اتخذنا - ای گیری ما را (ص ۲۵، البقره/ ۶۷)	أتحاجوننا - أحجت می آریت (ص ۵۳، البقره/ ۱۳۹)
أمین - نانویسندگان (ص ۱۵۴، آل عمران/ ۷۵)	اخذان - دوستان پنهان (ص ۲۸۹، مائده/ ۷)
أهل الكتاب - کسهای نامه (ص ۱۵۰، آل عمران/ ۶۴)	أحسن - دید (ص ۱۴۷، آل عمران/ ۵۲)
اعتدوها - بیندا خسنام (ص ۱۴۱، آل عمران/ ۳۶)	أصدق - راست تر (ص ۲۴۵، نساء/ ۸۸)
أهل - کسها (ص ۲۴۸، نساء/ ۹۳)	ارکتهم - نگوینسار کردشان (ص ۲۴۵، نساء/ ۸۸)
اختلاف - برافرودی (ص ۲۴۳، نساء/ ۸۲)	ألف - سازواری افکنند (ص ۱۶۴، آل عمران/ ۱۰۳)
أما - بر هر تقدیر (ص ۱۶۶، آل عمران/ ۱۰۷)	افلا تعقلون - اُپس نه داریبیت بخرد (در اکثر موارد)
افتطمعون - اُپس امید می داریت (ص ۲۷، البقره/ ۷۴)	احاطت - گرد درگیرد (ص ۳۰، البقره/ ۸۱)
أثم - بزه (ص ۳۱، البقره/ ۸۷)	انعام - استرو گاو و گوسفند (ص ۲۸۵، مائده/ ۱)
أمن - بی بیم (ص ۲۴۳، نساء/ ۸۲)	أمیون - نانویسندگان (ص ۲۹، البقره/ ۷۸)
استکیروا - بزرگی جُست (ص ۳۲، البقره/ ۸۷)	أقدام - پشتها (ص ۱۸۱، آل عمران/ ۱۴۷)
أسلم - گردن داده (ص ۱۵۸، آل عمران/ ۸۳)	اقسط - با دادتر (ص ۱۲۵، البقره/ ۲۸۳)
أغرقتا - آب فرو بریم (ص ۱۸، البقره/ ۵۰)	أله - پرستیدنی (ص ۱۰۹، البقره/ ۲۵۵)
أعصار - گردباده (ص ۱۱۷، البقره/ ۲۶۶)	أحاف - پشور (ص ۱۲۰، البقره/ ۲۷۳)
أولی - خداوندان (ص ۷۹، البقره/ ۱۹۷)	أزواج - جفتان (ص ۱۰، البقره/ ۲۵)
أجل - زمان زده (ص ۹۵، البقره/ ۲۳۱)	أضعاف کثیرة - مانندهای بسیار (ص ۱۰۳، البقره/ ۲۴۵)
ألوف - هزاران (ص ۱۰۲، البقره/ ۲۴۳)	أقدام - پشتهای پاها (ص ۱۱۸، البقره/ ۲۶۹)

موارد قابل ذکر دیگری هم هست که برای جلوگیری از اطناب ممل از ذکر همه آنها خودداری شد. و اینک در بخش ویژگیهای ترجمه برای حُسن ختام، ترجمه کامل برخی آیات برای آشنایی خوانندگان و صاحبان ذوق و ایمان ذکر می شود: «ای آنانک گرویدند چون برخیزیت به نماز پس شویت رویهاتان را و دستهاتان را تا آرنجها و بساویت سرهاتان و پایهاتان را تا هر دو شتالنگ»

(ص ۲۹۰/ مائده/ ۷)

«و بدرستی دانستیت آنان را که از حد درگذشتند از شما در شبه نی پس گفتیم مرایشان را با شیت کیان دورشدگان»

(ص ۲۴/ البقره/ ۶۵)

«مفریدا هر آینه هر آینه ترا برگشتن آنانک کفر آوردند در شهرها»

(ص ۲۰۱/ آل عمران/ ۱۹)

«هر که برگردد بر دونی خود پس هرگز زیان ندارد خدای را چیزی و زود پاداش دهد خدای سپاس دارندگان را»

(ص ۱۷۹/ آل عمران/ ۱۴۴)

وی آنست که فرو فرستاد بر تو نامه را، از وی آیتهای محکم است، یعنی يك معنی را محتمل است، ایشان اصل نامه اند و دگرها پوشیده، پس بر هر تقدیر آنانک در دلهای ایشان کزیست پس بدم می روند آنچ را پوشیده شد از وی بهر جستن آزمایش و جستن سرانجام وی و نه می داند سرانجام ویرا مگر خدای

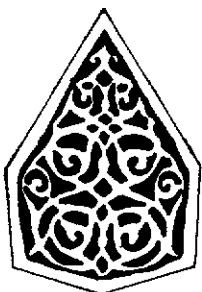
(ص ۱۳۰/ آل عمران/ ۷)

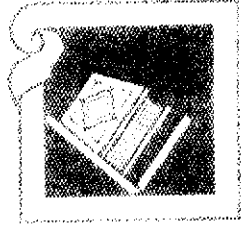
در پایان فهرستی از برابر گذارهای فارسی که برخی مختص این ترجمه و برخی مشترك میان تراجم دیگر است و برخی کلمات که امروزه نیز در ترجمه کلام الله به کار می رود، آورده می شود. لازم است ذکر کنیم که برخی از این کلمات در بخش ویژگیهای ترجمه نیز به عنوان نمونه آورده شده و نیز یادآور می گردد که کلمات عربی بر اساس ظاهر ثبت شده آنها در یادداشتهای نگارنده الفبایی گردیده نه بر اساس ریشه کلمات، امید است که این فهرست برای آشنایی ذهن خوانندگان با فضای ترجمه ای این قرآن نفیس مؤثر افتد و در پیشگاه محققان و مترجمان پذیرفته آید.

فهرست الفبایی برابر گذارهای فارسی بر اساس شکل ظاهری کلمات

«آ»

أثم - بزه مند (ص ۱۲۶، البقره/ ۲۸۳)	أستم - گرویدیت (ص ۵۲، البقره/ ۱۳۷)
آخر - بامسین (ص ۲۶۷، نساء/ ۱۳۶)	آل - کسان (ص ۱۷، البقره/ ۴۹)
آل فرعون - کسان این ناگرویده (ص ۱۷، البقره/ ۴۹)	آل - کس ها (ص ۱۰۵، البقره/ ۲۴۸)





کتابخانه



پروہ شکارہ علوم انسانی و مطالعات تربیتی

(ص ۱۶۱، آل عمران/ ۹۴)	افتری ے بریافت	(ص ۱۱۸، البقرہ/ ۲۶۹)	اولوالالباب ے خدیونندان خردھا
(ص ۲۵، البقرہ/ ۶۷)	اعوذے پناہ می گیریم	(ص ۸۴، البقرہ/ ۲۱۳)	اختلاف ے برافروہ
(ص ۸۹، البقرہ/ ۲۲۱)	امہ ے برستار	(ص ۹۶، البقرہ/ ۲۳۲)	ازواج ے شویان
(ص ۱۵۷، آل عمران/ ۸۰)	ازیاب ے خدا ان	(ص ۱۰۳، البقرہ/ ۲۴۶)	ابعث لئاے برانگیز مارا
(ص ۹۰، البقرہ/ ۲۲۱)	اذن ے دستوری	(ص ۶۰، البقرہ/ ۱۵۵)	اموال ے خواستها
(ص ۶۵، البقرہ/ ۱۶۹)	انبعوا ے پس روی کنیت	(ص ۲۷۶، نساء/ ۱۵۸)	اختلفوا ے برافروہ شدند
(ص ۴۳، البقرہ/ ۱۱۲)	اسلمے بسپارد	(ص ۷۳، البقرہ/ ۱۸۷)	أجل ے شایسته کردہ شود
(ص ۶۴، البقرہ/ ۱۶۶)	الاسباب ے پیوندها	(ص ۸۵، البقرہ/ ۲۱۴)	أم حسبتم ے آینداشتیت
(ص ۱۰۶، البقرہ/ ۲۴۹)	اذن ے فرمان	(ص ۸، البقرہ/ ۲۲)	انداے مانندان
(ص ۶۸، البقرہ/ ۱۷۵)	ابن سبیل ے راه گذری	(ص ۱۳، البقرہ/ ۳۴)	استکبرواے گردن کشی کرد
(ص ۲۶۱، نساء/ ۲۲۲)	ابدأے همیشه	(ص ۱۳، البقرہ/ ۳۵)	اسکن ے بیاش
(ص ۶۱، البقرہ/ ۱۶۰)	آتوت ے توبہ افکنندن	(ص ۱۳، البقرہ/ ۳۴)	اسجدوا ے سر بر زمین نہیت
(ص ۵، البقرہ/ ۹)	انفس ے تنها	(ص ۱۲، البقرہ/ ۳۰)	آتجعل ے آئی کنی
(ص ۱۳، البقرہ/ ۳۳)	آلم ے آنہ	(ص ۱۲۵، البقرہ/ ۲۸۲)	اشهدواے گواہ کنیت
(ص ۴۶، البقرہ/ ۱۲۰)	اهواء ے کامهای دل	(ص ۵۰، البقرہ/ ۱۳۱)	اسلمے گردن ده



«ز»

(ص ۱۹۷، آل عمران/ ۱۸۶)
(ص ۱۳۰، آل عمران/ ۸)

زُبُر ← نامها
زیغ ← کزی

(ص ۱۲۰، البقره/ ۲۷۴)
(ص ۱۰۸، البقره/ ۲۵۴)
(ص ۷۴، البقره/ ۱۸۷)
(ص ۱۵، البقره/ ۳۹)
(ص ۲۴۸، نساء/ ۹۳)
(ص ۲۵، البقره/ ۶۵)

خط ← تباهی
خُلَّة ← دوستی
خیط ← رشته
خالدین ← جاودانگان
خطا ← بخطا
خاستین ← دور شدگان

«س»

(ص ۲۰، البقره/ ۵۷)
(ص ۲۱۷، البقره/ ۲۳۵)
(ص ۱۰۹، البقره/ ۲۵۵)
(ص ۴۸، البقره/ ۱۲۵)
(ص ۲۴۷، نساء/ ۹۲)
(ص ۲۲۶، نساء/ ۴۴)
(ص ۱۲۰، البقره/ ۲۷۳)
(ص ۱۲۶، البقره/ ۲۸۳)
(ص ۲۱، البقره/ ۵۸)
(ص ۱۰۵، البقره/ ۲۴۸)
(ص ۴۴، البقره/ ۱۱۶)
(ص ۲۱۱، نساء/ ۱۲)
(ص ۷، البقره/ ۱۹)
(ص ۱۲، البقره/ ۳۲)
(ص ۲۸۶، مائده/ ۲)

سلوی ← ونیج
سلف ← پیش رفت
سنة ← غنو
السجود ← سر بر زمین نهندگان
سلطاناً ← حجتی
سفر ← بر سر رو
سیما ← نشان روی
سفر ← سر رو
سنزید ← زود بودا
سکینه ← آرامی
سبحانه ← پاکاوی
سدس ← دانگی
سما ← ابر
سبحانك ← پاکاتو
السبع ← دده

(ص ۱۸۸، آل عمران/ ۱۶۳)
(ص ۹۳، البقره/ ۲۲۸)
(ص ۲۷۱، نساء/ ۱۴۵)
(ص ۱۳۷، آل عمران/ ۲۴)
(ص ۲۲۹، نساء/ ۴۷)
(ص ۳۱، البقره/ ۸۴)
(ص ۳۱، البقره/ ۸۵)

درجات ← پایگاهها
درجه ← پایگاه
درک ← پایگاه
دین ← کیش
دون ذلك ← فرود آن
دیار ← سراپها
دنیای ← نزدیکی

«د»

(ص ۱۴۹، آل عمران/ ۵۸)
(ص ۱۲۹، آل عمران/ ۴)
(ص ۲۸۶، مائده/ ۲)

«ذ»

ذکر ← یاد کرد
ذوانتقام ← با کینه کشیدن است
ذکیم ← بسمل کنیت

«ش»

(ص ۱۳۳، آل عمران/ ۱۴)
(ص ۱۷، البقره/ ۴۸)
(ص ۸۴، البقره/ ۲۱۱)
(ص ۷۲، البقره/ ۱۸۵)
(ص ۲۶۴، نساء/ ۱۲۸)
(ص ۵۹، البقره/ ۱۵۲)
(ص ۱۶۴، آل عمران/ ۱۰۳)
(ص ۲۸۶، مائده/ ۲)

شهوآت ← آرزوها
شفاة ← خواهش کردن
شديد العقاب ← سخت شکنجه
شهد ← حاضر آمد
شخ ← زفتی
شکر ← سپاس داری
شفاه ← لب
شهر حرام ← ذوالقعدة و دهة ذوالحججه

(ص ۱۳۲، آل عمران/ ۱۲)
(ص ۱۸۱، آل عمران/ ۱۴۶)
(ص ۱۴۴، آل عمران/ ۴۳)
(ص ۱۵۶، البقره/ ۷۹)
(ص ۲۲۸، نساء/ ۴۶)
(ص ۲۱۷، نساء/ ۲۵)
(ص ۴۹، البقره/ ۱۲۸)
(ص ۲۲۴، نساء/ ۳۸)
(ص ۲۴۴، نساء/ ۸۶)
(ص ۲۰۵، نساء/ ۳)
(ص ۱، حمد/ ۱)
(ص ۲۱۶، نساء/ ۲۳)
(ص ۱۰۴، البقره/ ۶۰)
(ص ۹۶، البقره/ ۲۳۳)
(ص ۷۳، البقره/ ۱۸۷)
(ص ۱۲۶، البقره/ ۲۸۳)
(ص ۴۸، البقره/ ۱۲۵)
(ص ۷۹، البقره/ ۱۹۷)
(ص ۱۰۱، البقره/ ۲۳۹)
(ص ۱۲۱، البقره/ ۲۷۵)
(ص ۱۶، البقره/ ۴۳)
(ص ۳، البقره/ ۳)
(ص ۱۲۲، البقره/ ۲۷۹)
(ص ۱۰۱، البقره/ ۲۳۹)

«ر»

رای العین ← چشم دیدار
ریون ← گروهان
راکعین ← پشت خم دهندگان
رئائین ← خدای پرستان
راعنا ← نگاه دار حق ما
رحیم ← همیشه بخشنده
الرحیم ← همیشه بخشاینده
ریاء ← از بهر دیدن
رذوها ← باز باز گردانیش
رباع ← چهارگان چهارگان
الرحمن ← بزرگ بخشایش
رضاعة ← شیرخوردگی
انظرنا ← پبای ما را
رضاعة ← شیر خوردن
الرقٹ ← آمدن
رهن ← گرو
رکع ← پشت خم کنندگان
رفت ← فحش
رجال ← پیادگان
ریا ← افزونی خالی از عوض
راکعین ← پشت خم دهندگان
رزقناهم ← روزی کردیمشان
رؤس ← سرماپها
رکباناً ← شترسواران

«ص»

(ص ۷، البقره/ ۱۹)
(ص ۴۲، البقره/ ۱۱۱)
(ص ۲۷۴، نساء/ ۱۵۴)
(ص ۱۰۷، آل عمران/ ۱۱۷)
(ص ۲۰۳، آل عمران/ ۲۰۰)
(ص ۲۶، البقره/ ۶۹)
(در اکثر موارد)
(ص ۱۱۵، البقره/ ۲۶۴)

صواعق ← آوازه‌های سخت
صادقین ← راست گوان
صاعقه ← آتش با بانگ سوزنده زندۀ کشنده
صِرّ ← سرمای سخت
صابروا ← شکیبیت در جنگ کفار
صفراء ← نیک زرد
صبر ← شکیب
صفوان ← سنگ سخت

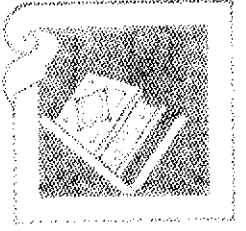
(ص ۱۹، البقره/ ۱۱)
(ص ۲۱۶، نساء/ ۲۳)
(ص ۱۰۴، البقره/ ۶۰)
(ص ۹۶، البقره/ ۲۳۳)
(ص ۷۳، البقره/ ۱۸۷)
(ص ۱۲۶، البقره/ ۲۸۳)
(ص ۴۸، البقره/ ۱۲۵)
(ص ۷۹، البقره/ ۱۹۷)
(ص ۱۰۱، البقره/ ۲۳۹)
(ص ۱۲۱، البقره/ ۲۷۵)
(ص ۱۶، البقره/ ۴۳)
(ص ۳، البقره/ ۳)
(ص ۱۲۲، البقره/ ۲۷۹)
(ص ۱۰۱، البقره/ ۲۳۹)

«ض»

(ص ۱۶۰، آل عمران/ ۹۰)
(ص ۲۷۹، نساء/ ۱۶۱)

ضالون ← گم راهان
ضلوا ← گم راه





(ص ۱۰۱، البقرہ/۲۳۹)	علمکم ے در آموزانیت تان	(ص ۱۷۵، آل عمران/۱۳۴)	ضراء ے گزند
(ص ۱۲، البقرہ/۳۱)	علم ے آموزانید	(ص ۲، حمد/۷)	الضالین ے بی راہان
(ص ۱۳، البقرہ/۳۲)	علمتتا ے آموزانیدی مارا	(ص ۳۹، البقرہ/۱۰۲)	ضارین ے گزند رسانندگان
(ص ۸۲، البقرہ/۲۰۶)	عزہ ے نام و ننگ		
(ص ۱۴۳، آل عمران/۴۰)	عافر ے نازابندہ		

«ط»

(ص ۶، البقرہ/۱۵)	طغیانہم ے از حد در گذشتن شان	(ص ۱۵۸، آل عمران/۸۳)	طوع ے خوش منشی
(ص ۷۱، البقرہ/۱۸۴)	طوع ے خوش دلی	(ص ۹۲، البقرہ/۲۲۷)	طلاق ے پای گشادہ کردن
(ص ۱۱۰، البقرہ/۲۵۷)	طاغوت ے دیو	(ص ۹۶، البقرہ/۲۳۱)	طلق ے رها کردن
(ص ۱۱۰، البقرہ/۲۵۶)	طاغوت ے بت	(ص ۲۳۴، نساء/۶۰)	طاغوت ے کعب بن اسود
(ص ۱۵۸، آل عمران/۸۳)	طوب ے خوش منشی	(ص ۱۱۷، البقرہ/۲۶۷)	طیبات ے خوشہا
(ص ۹۲، البقرہ/۲۲۷)	طلاق ے پای گشادہ کردن	(ص ۹۶، البقرہ/۲۳۲)	طلقتم ے پاگشادہ کنیت
(ص ۹۶، البقرہ/۲۳۱)	طلق ے رها کردن		
(ص ۲۳۴، نساء/۶۰)	طاغوت ے کعب بن اسود		
(ص ۱۱۷، البقرہ/۲۶۷)	طیبات ے خوشہا		
(ص ۹۶، البقرہ/۲۳۲)	طلقتم ے پاگشادہ کنیت		

«ظ»

(ص ۸۳، البقرہ/۲۱۰)	ظُل ے سایہ بانہا	(ص ۱۱۱، البقرہ/۲۵۸)	ظالمین ے ناگروندگان
(ص ۲۰، البقرہ/۵۷)	ظَلَلْنَا ے سایہ دار کردیم		
(ص ۱۱۱، البقرہ/۲۵۸)	ظالمین ے ناگروندگان		

«ع»

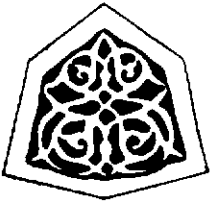
(ص ۱۵۰، آل عمران/۶۵)	عقل ے ہش	(ص ۱۹۸، آل عمران/۱۸۶)	عزم ے دل بستن
(ص ۱۸۷، آل عمران/۱۵۹)	عزم ے دل نہادن	(ص ۱۷۹، آل عمران/۱۴۴)	علیٰ عقیبہ ے بر دونی خود
(ص ۱۹۶، آل عمران/۱۸۳)	عہد ے پیمان کردن	(ص ۱۱۰، البقرہ/۲۵۵)	علیٰ ے بلند
(ص ۴۷، البقرہ/۱۲۳)	عدل ے فدا دادن	(ص ۲۳، البقرہ/۶۱)	عصوا ے بی فرمانی کردند
(ص ۱۷۱، آل عمران/۱۱۹)	عضوًا ے گزند (گزیدن)	(ص ۷۴، البقرہ/۱۸۷)	عاکفون ے باشندگان
(ص ۱۴۳، آل عمران/۴۱)	عشی ے شبانگاہ	(ص ۹۸، البقرہ/۲۳۵)	عرضتم ے پوشیدہ گوئیت
(ص ۲۳۸، نساء/۶۹)	عظیم ے درشت	(ص ۲۵۲، نساء/۹۸)	عقو ے درگذارندہ
(ص ۲۱۴، نساء/۱۹)	عاشروا ے سازواری کنید	(ص ۵۵، البقرہ/۱۴۳)	عقیبہ ے دو پاشنہ وی
(ص ۲۲۶، نساء/۴۳)	عابر ے گذرندہ	(ص ۱۱۰، البقرہ/۲۵۶)	عروۃ الوثقی ے گوشہ استوار
(ص ۱۹۸، آل عمران/۱۸۶)	عزم ے دل بستن	(ص ۸۹، البقرہ/۲۲۰)	عزیز ے ناہمتا
(ص ۱۷۹، آل عمران/۱۴۴)	علیٰ عقیبہ ے بر دونی خود	(ص ۸۳، البقرہ/۲۰۹)	عزیز ے بی ہمتا
(ص ۱۱۰، البقرہ/۲۵۵)	علیٰ ے بلند	(ص ۲۷۶، نساء/۱۵۸)	عزیز ے بی ہمتا
(ص ۲۳، البقرہ/۶۱)	عصوا ے بی فرمانی کردند	(ص ۹۹، البقرہ/۲۳۵)	عقدۃ النکاح ے گرہ نکاح
(ص ۷۴، البقرہ/۱۸۷)	عاکفون ے باشندگان	(ص ۲۴۹، نساء/۹۳)	عروض ے کالاہ
(ص ۹۸، البقرہ/۲۳۵)	عرضتم ے پوشیدہ گوئیت	(ص ۹۱، البقرہ/۲۲۴)	عروضہ ے بہانہ
(ص ۲۵۲، نساء/۹۸)	عقو ے درگذارندہ		
(ص ۵۵، البقرہ/۱۴۳)	عقیبہ ے دو پاشنہ وی		
(ص ۱۱۰، البقرہ/۲۵۶)	عروۃ الوثقی ے گوشہ استوار		
(ص ۸۹، البقرہ/۲۲۰)	عزیز ے ناہمتا		
(ص ۸۳، البقرہ/۲۰۹)	عزیز ے بی ہمتا		
(ص ۲۷۶، نساء/۱۵۸)	عزیز ے بی ہمتا		
(ص ۹۹، البقرہ/۲۳۵)	عقدۃ النکاح ے گرہ نکاح		
(ص ۲۴۹، نساء/۹۳)	عروض ے کالاہ		
(ص ۹۱، البقرہ/۲۲۴)	عروضہ ے بہانہ		

«غ»

(ص ۱۴۴، آل عمران/۴۴)	غیب ے ناپیدا
(ص ۱۸۶، آل عمران/۱۵۶)	غَز ے غازیان
(ص ۱۸۷، آل عمران/۱۵۹)	غلیظ القلب ے ستبر دل
(ص ۱۶۸، آل عمران/۱۱۲)	غضب ے ناخشنودی
(ص ۲۲۲، نساء/۳۲)	غیب ے دوری
(ص ۱۳۶، آل عمران/۲۱)	غیر حق ے ناواجب
(ص ۳۱، البقرہ/۸۵)	غافل ے بی آگاہی
(ص ۱۱۰، البقرہ/۲۵۶)	غی ے بی راہی
(ص ۱۰۵، البقرہ/۲۴۹)	غرقة ے يك مشت
	غفلت ے بی آگاہی
(ص ۲۶، نساء/۱۱۹)	غیر ے دگرسان
(ص ۲۷۵، نساء/۱۵۷)	غیر ے حق ناواجب
(ص ۴، البقرہ/۷)	غشاوة ے پوشش

«ف»

(ص ۸، البقرہ/۲۲)	فراش ے بستر
(ص ۲۱۷، نساء/۲۴)	فریضہ ے فرمودہ خدای
(ص ۱۶۳، آل عمران/۱۵۲)	فشل ے بی دلی
(ص ۱۵۴، آل عمران/۷۳)	فضل ے افزونی
(ص ۲۶۴، نساء/۱۲۹)	فتندروہا ے مانیتش
(ص ۱۷۲، آل عمران/۱۲۲)	فلیتوکل ے تکیہ کنندا
(ص ۱۵۸، آل عمران/۱۸۲)	فاسقون ے بی فرمانان
(ص ۲۴، نساء/۷۷)	فتیل ے آنچه بُمالی میان دو دست
(ص ۲۲۹، نساء/۴۸)	فتیلا ے اندازہ رشتہ جویجہ خرما
(ص ۲۰۵، نساء/۴)	فانکحوا ے بزنی کنیت
(ص ۳۸، البقرہ/۹۹)	فاسقون ے بیرون آیندگان از فرمان
(ص ۲۵، البقرہ/۶۸)	فارض ے پیرکاوست
(ص ۱۸، البقرہ/۴۵)	فرعون ے این ناگرویدہ
	فلنولیتک ے ہر آینہ گردانیمت ہر آینہ ہر آینہ
(ص ۵۶، البقرہ/۱۴۴)	فلاتکونن ے پس مباح ہر آینہ ہر آینہ
(ص ۵۷، البقرہ/۱۴۷)	فحشاء ے کار زشت
(ص ۶۵، البقرہ/۶۹)	فاما ے پس بہ ہر تقدیر
(ص ۱۰، البقرہ/۲۶)	فازلہما ے بلغزانیدشان
(ص ۱۴، البقرہ/۳۶)	فضلتکم ے افزونی دادمتان
(ص ۱۷، البقرہ/۴۷)	فزاہم اللہ ے فزونی کندشان خدای
(ص ۵، البقرہ/۱۰)	





«ل»

- لاشترواے مه گزینت (ص ۱۶، البقره/ ۴۱)
 لایرضیے نه بیسند (ص ۲۵۷، نساء/ ۱۰۹)
 لیخسے ترسندا (ص ۲۰۷، نساء/ ۸)
 لیقولنے هرآینه گوید هرآینه (ص ۲۳۸، نساء/ ۶۹)
 لیآکلے بخوردا (ص ۲۰۶، نساء/ ۶)
 لیقولواے گویندا (ص ۲۰۷، نساء/ ۸)
 لاتظلمونے کم کرده نشوینت (ص ۱۱۹، البقره/ ۲۷۲)
 لو لا یکلمناے چرا نه سخن گوید (ص ۴۵، البقره/ ۱۱۸)
 لایحئلے نه شاید (ص ۲۱۳، نساء/ ۱۹)
 لیتوکلے تکیه کنندا (ص ۱۸۸، آل عمران/ ۱۶۰)
 لتاتے بیایندا (ص ۲۵۴، نساء/ ۱۰۲)
 لیعلمے ابتدا کند اثر علم خود را (ص ۱۹۰، آل عمران/ ۱۶۷)
 لاتحسبنے مه پندارندا هرآینه هرآینه (ص ۱۹۱، آل عمران/ ۱۶۹)
 لسلطهمے گماشتی شان (ص ۲۴۶، نساء/ ۹۰)
 لاتتخذواے مه بگیری (ص ۲۴۵، نساء/ ۸۹)
 لاتکلفے نیسکفت فرموده شدی (ص ۲۴۳، نساء/ ۸۳)
 لیجمعنکمے هرآینه گرد آرد هرآینه هرآینه (ص ۲۴۴، نساء/ ۸۶)
 لایفرنکے مفر پیدا هرآینه هرآینه (ص ۲۰۱، آل عمران/ ۱۹۵)
 لایودهے نه گران کنندش (ص ۱۰۹، البقره/ ۲۵۵)
 لایضارے نه گزند رسانیده شودا (ص ۱۲۵، البقره/ ۲۸۳)
 لایظلمونے کم داده شونند (ص ۱۲۳، البقره/ ۲۸۱)
 لایخلفے نه خلاف کند (ص ۱۳۱، آل عمران/ ۹)
 لایخسے نکاهاند (ص ۱۲۴، البقره/ ۲۸۲)
 لاتحملے منہ (ص ۱۲۵، البقره/ ۲۸۶)
 لایحیطونے نه گرد درگیرد (ص ۱۰۹، البقره/ ۲۵۵)
 لونے گونه (ص ۲۵، البقره/ ۶۹)
 لاکراهے بی سکفت فرموده نیست (ص ۱۱۰، البقره/ ۲۵۶)
 لویردنکمے کاشکی گردانیدی شما را (ص ۴۹، البقره/ ۱۰۹)
 لاتغلواے مه از حد درگذریت (ص ۲۸، نساء/ ۱۶۳)
 لویعمرے کاشکی زندگانی داده شودی (ص ۳۷، البقره/ ۹۷)
 الذالخصامے سخت پیکارتر پیکارکنندگان (ص ۸۲، البقره/ ۲۰۴)
 لعنةے نفرین (ص ۱۵۰، آل عمران/ ۶۱)
 لاتلونے التفات نمی کردیت (ص ۱۸۳، آل عمران/ ۱۵۳)
 لیشترواے تا برگزینند (ص ۲۹، البقره/ ۷۹)
 لیکونواے باشدا (ص ۲۵۳، نساء/ ۱۰۱)
 لاتکلفے نه بیسکفت فرموده شود (ص ۹۷، البقره/ ۲۳۳)
 لایرجعونے نه بازگردند (ص ۷، البقره/ ۱۸)
 لم تذرهمے نه بیم کردی (ص ۴، البقره/ ۶)

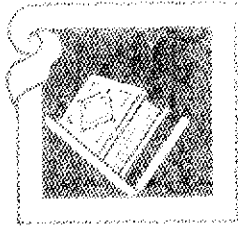
«ق»

- قوامینے ایستادگی کنندگان (ص ۲۶۶، نساء/ ۱۳۳)
 قنطارے پوست گاو بزرگ (ص ۱۵۴، آل عمران/ ۷۵)
 قومے گروه مردان (ص ۱۷۷، آل عمران/ ۱۳۷)
 قُرحے خستگی (ص ۱۷۷، آل عمران/ ۱۳۹)
 قانتینے یاد برداران (ص ۱۳۴، آل عمران/ ۱۷)
 قیاماًے ایستادگان (ص ۱۹۹، آل عمران/ ۱۹۱)
 قعوداًے نشستگان (ص ۱۹۹، آل عمران/ ۱۹۱)
 قرینے بار (ص ۲۲۵، نساء/ ۴۳)
 قتلے کشتن (ص ۱۸۵، آل عمران/ ۱۵۴)
 قردةے کپان (میمون) (ص ۲۴، البقره/ ۶۵)
 قریهے دیه (ص ۱۱۲، البقره/ ۲۵۹)
 قیومے باشنده (ص ۱۰۹، البقره/ ۲۰۰)
 قصاصے برابری (ص ۶۹، البقره/ ۱۷۸)
 قوامونے ایستادگی کنندگان (ص ۲۲۲، نساء/ ۳۲)
 ققصناے قصه کردیم (ص ۲۷۸، نساء/ ۱۶۰)

«ك»

- کذبراے دروغ گوی داشتند (ص ۱۵، البقره/ ۳۹)
 کن فیکونے بیاش پس بیود (ص ۱۴۸، آل عمران/ ۵۹)
 کهلاے سی و سه ساله (ص ۱۴۵، آل عمران/ ۴۶)
 کهراے بناپسند (ص ۲۱۴، نساء/ ۱۹)
 کاظمینے فروخورندگان (ص ۱۷۵، آل عمران/ ۱۳۴)
 کانے بود و هست باشد (ص ۲۰۹، نساء/ ۱۱)
 کُنْے بوند (ص ۲۰۸، نساء/ ۹)
 کیدے سگالش بد (ص ۱۷۲، آل عمران/ ۱۲۰)
 کانے هست بود (ص ۲۰۴، نساء/ ۲)
 کتابے فریضه (ص ۲۵۵، نساء/ ۱۰۴)
 کانے هست باشد (ص ۲۰۴، نساء/ ۱)
 کتمے هستیت (ص ۱۴۶، آل عمران/ ۴۹)
 کتاب اللهے فریضه خدای (ص ۲۱۷، نساء/ ۲۴)
 کلالهے جز مادر و پدر و فرزند (ص ۲۱۰، نساء/ ۱۲)
 کانے بودا (ص ۲۲۹، نساء/ ۴۷)
 کیدے سگالش (ص ۲۳۹، البقره/ ۷۵)
 کفلے پذیرفتاری (ص ۱۴۲، آل عمران/ ۳۷)
 کفرواے کفر آوردند (ص ۳، البقره/ ۴)
 کهراے به ناخوشی کاره (ص ۱۵۸، آل عمران/ ۸۳)
 کبرے بزرگ سالی (ص ۱۴۳، آل عمران/ ۴۰)
 کاتبے دبیر (ص ۱۲۳، البقره/ ۲۸۲)
 کسبواے ورزیدند (ص ۸۲، البقره/ ۲۰۲)
 کسبتے می ورزد (ص ۵۴، البقره/ ۱۴۱)
 کونواے بیاشیت (ص ۵۱، البقره/ ۱۳۴)
 کان اللهے بود و هست خدای (ص ۲۶۵، نساء/ ۱۳۱)
 کعبینے شتالنگ (ص ۲۹۰، مائده/ ۷)





لن تمسنا ← نساودمارا

(ص ۲۹، البقرہ/ ۸۰)

ملاء الارض ← پری زمین

(ص ۱۶۰، آل عمران/ ۹۱)

متاع ← برخورداری

(ص ۱۰۱، البقرہ/ ۲۴)

میسرے تُو انگری

(ص ۱۲۲، البقرہ/ ۲۸۰)

مولود ← زادہ شدہ

(ص ۹۷، البقرہ/ ۲۳۳)

محيض ← جای بی نماز شدن

(ص ۹۰، البقرہ/ ۲۲۲)

مشعر ← مزدلفہ

(ص ۷۹، البقرہ/ ۱۹۸)

مبين ← پیدا

(ص ۶۳، البقرہ/ ۱۶۸)

معدودے شمردہ

(ص ۷۱، البقرہ/ ۱۸۴)

مواقیت ← گاہ ہا

(ص ۷۵، البقرہ/ ۱۸۹)

مُراغم ← جای ہجرت کردن

(ص ۲۵۲، نساء/ ۹۸)

متعمداً ← قصد کنندہ

(ص ۲۴۹، نساء/ ۹۳)

مشرق ← جای برآمدن آفتاب

(ص ۴۵، البقرہ/ ۱۱۵)

مغرب ← جای فرو شدن آفتاب

(ص ۴۵، البقرہ/ ۱۱۵)

محیط ← دانا

(ص ۲۵۷، نساء/ ۱۰۹)

مناسک ← کارہای حج

(ص ۴۹، البقرہ/ ۱۲۸)

الممترین ← بہ گمان شونندگان

(ص ۵۷، البقرہ/ ۱۴۷)

مسلمون ← گردن دادہ گان

(ص ۵۱، البقرہ/ ۱۳۳)

مغرب ← جای فرورفتن

(ص ۱۱۱، البقرہ/ ۲۵۸)

مشرق ← جای برآمدن

(ص ۱۱۱، البقرہ/ ۲۵۸)

الموقوذة ← چوب زدہ و مردہ

(ص ۲۸۶، مائدہ/ ۳)

مشرکین ← انباز گویان

(ص ۵۲، البقرہ/ ۱۳۵)

مال ← خواستہ

(ص ۶۸، البقرہ/ ۱۷۵)

مثل ← مانند

(ص ۹۷، البقرہ/ ۲۳۳)

مُوص ← اندرز کنندہ

(ص ۷۰، البقرہ/ ۱۸۲)

مُثل ← داستان

(ص ۸۵، البقرہ/ ۲۱۴)

مُشرك ← انباز گویندہ

(ص ۸۹، البقرہ/ ۲۲۱)

موسع ← توانگر

(ص ۱۰۰، البقرہ/ ۲۳۶)

مساجد ← مزکتها

(ص ۴۴، البقرہ/ ۱۱۴)

مسلمین ← گردن دادگان

(ص ۴۹، البقرہ/ ۱۲۸)

ملة ← کیش

(ص ۵۰، البقرہ/ ۳۰)

معلقہ ← باشوی و نہ بی شوی

(ص ۲۶۴، نساء/ ۱۲۹)

مذبذبین ← سرگردان سرگردان

(ص ۲۷۰، نساء/ ۱۴۳)

مسجد الحرام ← مزکت مکہ

(ص ۲۸۶، مائدہ/ ۲)

میثاق ← استواری

(ص ۱۱، البقرہ/ ۲۷)

مستقر ← آرامگاہ

(ص ۱۴، البقرہ/ ۳۷)

مستہزون ← افسوس بردارندگان

(ص ۶، البقرہ/ ۱۴)

محیط ← درگرفته

(ص ۷، البقرہ/ ۱۹)

محیط بالكافرین ← درگرفته است بنا گروندگان

(ص ۷، البقرہ/ ۱۹)

من مثله ← از مانند وی

(ص ۹، البقرہ/ ۲۳)

المُخْتَلَفَة ← خبہ شدہ

(ص ۲۸۵، مائدہ/ ۳)

ن

نسل ← زہ

(ص ۸۲، البقرہ/ ۲۰۵)

نبتھل ← بازلعان کنیم

(ص ۱۴۹، آل عمران/ ۶۱)

نعاس ← خواب

(ص ۱۸۴، آل عمران/ ۱۵۴)

م

مس ← ساویدن

(ص ۱۳۷، آل عمران/ ۲۴)

مافعلوہ ← نکردیدش

(ص ۲۳۶، نساء/ ۶۴)

مضاجع ← خانہ های هلاک

(ص ۱۸۵، آل عمران/ ۱۵۴)

مختلاً فخوراً ← خرامندہ نازندہ

(ص ۲۲۴، نساء/ ۳۸)

متشابهات ← پوشیدہ

(ص ۱۳۲، آل عمران/ ۱۱)

مقنطرة ← بر ہم نہادہ

(ص ۱۳۳، آل عمران/ ۱۴)

مریم ← خداپرست

(ص ۱۴۱، آل عمران/ ۳۶)

مس ← دیوانگی

(ص ۱۲۱، البقرہ/ ۲۷۶)

مصدق ← راست گوی دارندہ

(ص ۱۲۹، آل عمران/ ۳)

محصنین ← پارسایان

(ص ۲۱۷، نساء/ ۲۴)

مسافحین ← پلیدکاران

(ص ۲۱۷، نساء/ ۲۴)

موجل ← زمان دادہ

(ص ۱۸، آل عمران/ ۱۴۵)

محص ← پاکیزہ

(ص ۱۷۸، آل عمران/ ۱۴۱)

میعاد ← نویدها

(ص ۱۳۱، آل عمران/ ۹)

مضار ← گزند رسانیدہ

(ص ۲۱۱، نساء/ ۱۲)

متاع الغرور ← برخورداری فریب

(ص ۱۹۷، آل عمران/ ۱۸۵)

من ← ترنگین

(ص ۲۱، البقرہ/ ۵۷)

مصيبة ← رسندہ

(ص ۱۸۹، آل عمران/ ۱۶۵)

مکذبین ← دروغ گوی دارندگان

(ص ۱۷۷، آل عمران/ ۱۳۷)

ماعثم ← در بزہ افتادن

(ص ۱۷۱، آل عمران/ ۱۱۸)

موالی ← پسران عم

(ص ۲۲۱، نساء/ ۳۲)

مکروا ← بد سگالیدند

(ص ۱۴۸، آل عمران/ ۵۴)

ماکرین ← پاداش دہندگان

(ص ۱۴۸، آل عمران/ ۵۴)

محراب ← پیشگاہ

(ص ۱۴۲، آل عمران/ ۳۹)

مفروض ← پیدا کردہ

(ص ۲۰۷، نساء/ ۷)

مستضعفین ← سست شمردگان

(ص ۲۳۸، نساء/ ۷۳)

مبارک ← افزونی بسیار

(ص ۱۶۲، آل عمران/ ۹۶)

مسح ← ساویدن

(ص ۲۲۷، نساء/ ۴۶)

مشیدقے افراشته

(ص ۲۴۱، نساء/ ۷۸)

مقال ذرۃ ← ہمسنگ مورچہ

(ص ۲۲۵، نساء/ ۴۳)

مدخل ← جای درآوردن

(ص ۲۲۱، نساء/ ۳۱)

میثاق ← عہد استوار

(ص ۵۷، البقرہ/ ۸۲)

محرّم ← ناشایستہ

(ص ۳۲، البقرہ/ ۸۵)

مسومہ ← نشان کردہ

(ص ۱۳۲، آل عمران/ ۱۴)

منادی ← خوانندہ

(ص ۲۰۰، آل عمران/ ۱۹۳)

میل ← گرایستن

(ص ۲۱۹، نساء/ ۲۷)

مولی ← خداوندگار

(ص ۱۲۸، البقرہ/ ۲۸۶)

مسمی ← نام بردہ

(ص ۱۲۳، البقرہ/ ۲۸۲)

مفسد ← تباہ کار

(ص ۸۹، البقرہ/ ۲۲۰)

مایوّد ← نمی دوست دارند

(ص ۴۰، البقرہ/ ۱۰۵)

مشرّب ← جای آب خورد

(ص ۲۱، البقرہ/ ۶۰)

ماہی ← چہ چیست

(ص ۲۵، البقرہ/ ۶۸)





ہجرت سے بریدن از خان و مان (ص ۸۸، البقرہ/ ۲۱۸)
 ہاجروا سے بریدند از خان و مان (ص ۲۰۱، آل عمران/ ۱۹۵)

ی
 یفترون سے بریافتند (ص ۱۳۷، آل عمران/ ۲۴)
 یسجدون سے سر بر زمین می نهند (ص ۱۶۹، آل عمران/ ۱۱۳)
 یستعفف سے نہفتگی کند (ص ۲۰۶، نساء/ ۶)
 یتبعون سے بہ دم می روند (ص ۱۳۱، آل عمران/ ۱۱)
 یختص سے یگانہ می کند (ص ۱۵۴، آل عمران/ ۷۴)
 یتوفیہن سے جان برگیردشان (ص ۲۱۲، نساء/ ۱۵)
 یجمعون سے گرد می کنیت (ص ۱۸۷، آل عمران/ ۱۵۷)
 یعلمہم سے می آموزاندشان (ص ۱۸۹، آل عمران/ ۱۶۴)
 یكفروہ سے ناسپاسی کردہ شوی (ص ۱۶۹، آل عمران/ ۱۱۵)
 یخطف سے برتابد (ص ۷، البقرہ/ ۲۰)
 یمسنی سے بسود (ص ۱۴۵، آل عمران/ ۴۷)
 یکفل سے پذیرفتاری (ص ۱۴۴، آل عمران/ ۴۴)
 یطلع سے دیدہ ور کند (ص ۱۹۴، آل عمران/ ۱۷۹)
 یوفق سے سازواری افکند (ص ۲۲۳، نساء/ ۳۸)
 الیوم الآخر سے روز باسپسین (ص ۲۳۳، نساء/ ۵۹)
 یامنوا سے امین دارند (ص ۲۴۷، نساء/ ۹۱)
 ینظرون سے زمان دادہ شوند (ص ۱۶۰، آل عمران/ ۸۸)
 یضروا سے گزند کردند (ص ۱۶۷، آل عمران/ ۱۱۰)
 ینفقون سے هزینه کردند (ص ۸۶، البقرہ/ ۲۱۵)
 یطوفون سے درگردن کردہ شوید (ص ۱۹۵، آل عمران/ ۱۸۰)
 یطمئن سے بیارامد (ص ۱۱۳، البقرہ/ ۲۶۰)
 یمحق سے می کھاند (ص ۱۲۱، البقرہ/ ۲۷۶)
 یفسقون سے از فرمان بیرون می آمدند (ص ۲۱، البقرہ/ ۵۹)
 یکلف سے بیسکفت فرماید (ص ۱۲۷، البقرہ/ ۲۸۵)
 یدل سے دگر سان کند (ص ۸۳، البقرہ/ ۲۱۱)
 یولون سے ایلا می کنند (ص ۹۲، البقرہ/ ۲۲۶)
 یوقنون سے بی گمان شوندگان (ص ۴۶، البقرہ/ ۱۱۸)
 ینظرون سے زمان دادہ شوند (ص ۶۲، البقرہ/ ۱۶۲)
 ینعق سے بانگ بر می زند (ص ۶۵، البقرہ/ ۱۷۱)
 یمل سے املا کند (ص ۱۲۴، البقرہ/ ۲۸۲)
 یخلفون سے برافروشدونندگان (ص ۴۴، البقرہ/ ۱۱۳)
 یولوا سے پشت دهند (ص ۱۶۸، آل عمران/ ۱۱۱)
 یبین سے پیدا می کند (ص ۲۸۴، نساء/ ۱۷۶)
 یجعلون سے می کنند (ص ۷، البقرہ/ ۱۹)
 ینقضون سے می شکند (ص ۱۱، البقرہ/ ۲۷)

(ص ۱۴۱، آل عمران/ ۳۵)
 (ص ۲۴۲، نساء/ ۸۱)
 (ص ۲۲۲، نساء/ ۳۲)
 (ص ۲۳، البقرہ/ ۶۲)
 (ص ۱۲۲، البقرہ/ ۲۸۰)
 (ص ۲۲۱، نساء/ ۲۵)
 (ص ۱۱۶، البقرہ/ ۲۶۵)
 (ص ۵۹، البقرہ/ ۱۵۰)
 (ص ۱۱۲، البقرہ/ ۲۵۹)
 (ص ۱۲، البقرہ/ ۳۰)

نذر سے واجب کردن
 قرآن سے نبی
 نشوز سے ناسازواری
 صابین سے نفوشاکان
 نظرة سے بایستی
 نکاح سے زن کردن
 نخیل سے خرما بن
 نعمت سے نیکویی
 نشزہلہ در وای می کشمش
 تقدس سے پاک می گویم

دو

(ص ۱۲۴، البقرہ/ ۲۸۲)
 (ص ۶۲، البقرہ/ ۱۶۴)
 (ص ۳۶، البقرہ/ ۹۳)
 (ص ۱۶، البقرہ/ ۴۳)
 (ص ۲۴۶، نساء/ ۹۰)
 (ص ۶۴، البقرہ/ ۱۸۸)
 (ص ۲۰۰، آل عمران/ ۱۹۴)
 (ص ۲۸۱، نساء/ ۱۶۴)
 (ص ۱۹۲، آل عمران/ ۱۷۳)
 (ص ۲۴۲، نساء/ ۸۰)
 (ص ۲۶۲، نساء/ ۱۲۴)
 (ص ۱۳۱، آل عمران/ ۸)
 (ص ۱۴۵، آل عمران/ ۴۵)
 (ص ۲۱۰، نساء/ ۱۲)
 (ص ۲۲۵، نساء/ ۶۷)
 (ص ۲۴۵، نساء/ ۸۹)
 (ص ۱۶۵، آل عمران/ ۱۰۴)
 (ص ۱۱۶، البقرہ/ ۲۶۵)
 (ص ۱۱۴، البقرہ/ ۲۶۱)
 (ص ۱۱۸، البقرہ/ ۲۶۸)
 (ص ۱۰۵، البقرہ/ ۲۴۷)
 (ص ۱۰۹، البقرہ/ ۲۵۵)
 (ص ۱۰۱، البقرہ/ ۲۲۸)
 (ص ۴۵، البقرہ/ ۱۱۵)
 (ص ۱۳۱، آل عمران/ ۱۰)

ولایاب سے سرباز زنندا
 والسحاب المسخرے و ابر رام کرده
 و اشربوا سے درخورانیدہ شدند
 وارکعوا سے پشت خم دهید
 و اقبلوہم سے کشیت شان
 و تدلوا سے رشوت مدہید
 وعدہ سے نوید
 وکیل سے کاربان
 وکیل سے نگاہ بان
 وکیل سے کارساز
 وجہ سے تن
 وہاب سے نیک بخشاینده
 وجیہاً سے روی شناخته
 وصیہ سے اندرز
 وجدوا سے یافتندی
 و دولے آرزو بردند
 ولکن سے باشدا
 وابل سے باران بزرگ قطره
 واسع سے توانگر فراخ
 واسع سے توانگر فراخ کار
 واسع سے توانگر
 وسع سے گنجید و رسید
 وسطی سے دیگر (نماز)
 وجہ سے خشنودی خدای
 وقود سے فروزینہ

هـ

(ص ۱۴۶، آل عمران/ ۴۹)
 (ص ۲۰۵، نساء/ ۴)
 (ص ۲۶۷، نساء/ ۱۳۵)
 (ص ۱۶۴، آل عمران/ ۱۰۱)
 (ص ۲۳۶، نساء/ ۶۵)
 (ص ۹۵، البقرہ/ ۲۳۱)
 (ص ۲۵۷، نساء/ ۱۰۱)

ھیئہ سے نهاد
 ہنیثاً سے گوارانده
 ہوی سے کام دل
 ہدی سے راہ نموده
 ہدی سے استوار داشتن
 ہزو سے فسوس
 ہا سے اینک